

فرار مغزها

هست پُست و مقام، خواب و خیال
اندر این روزگار قحط رجال
این مدیران که صاحب کلهند
به تو پُست معاونت ندهند
نرسد هر کسی به حد نصاب
دارد این پُست ها حساب کتاب
باید البته بود بایسته
وانگهی کاردان و شایسته
با مدیر آشنا، به ضرس یقین
اهل یک فرقه ای، مضاف بر این
مدتی پیشتر، گرفته ژتون
نام فامیلی اش دهان پر کن
نیست در انتخاب آدم پاک
ابداً مدرک و سواد، ملاک
بعد سالی که پایه اش شد سفت
می شود دکترا بر اش گرفت
شصت تا دستیار خواهد داشت
به تخصص چه کار خواهد داشت
پُست های کلیدی مرسوم
هست مخصوص عده ای معلوم
بعضاً این پُست ها که مرغوب است
می شود جابه جا و دست به دست
لیکن این پُست ها، به شکل عجیب
نرسد مطلقاً به غیر و غریب
مثل ما را فرا نمی خوانند
چون ز ما بهتران فراوانند
آن که رم زین رسوم نغز کند
باید اصلاً فرار مغز کند!

شخصی زورگو در خیابان
سیلی محکمی به بینوایی زد.
بینوا گفت: شوخی بود یا
جدی؟

زورگو گفت: جدی بود.
بینوا گفت: خدا را شکر که
جدی زدی، چون من اصلاً با
کسی شوخی ندارم!!!!

قاضی رو به متهم کرد و
گفت: چرا در خیابان دست
توی جیب این آقا کردی؟
متهم با لحنی شرمنده گفت:
آخه فکر کردم جیب خودمه!
قاضی: خُب چرا پول از جیبش
برداشتی؟

متهم: آقای قاضی یعنی آدم
اختیار جیب خودش رو هم
نداره!!!

از مردی که چند تا بچه قد و
نیم قد داشت، پرسیدند: چطور
سروصدای این همه بچه رو
تحمل می کنی؟

مرد جواب داد: مشکلی نیست،
چون یکی از آنها آنقدر جیغ
می زند که صدای بقیه را
نمی شنویم!!!

معلم: وقتی می گوئیم:
«دانش آموزان تکلیف های خود
را با میل انجام می دهند»،
«میل» در این جمله چه نوع
کلمه ای است؟

دانش آموز: اجازه! حرف
اضافه!!



آقای می خواست وکیل مجلس بشود، به همین جهت از
او پرسیدند:

- اگر انتخاب شوید، چه کار خواهید کرد؟
وی جواب داد:

- من از این لحاظ نگران نیستم، چیزی که برایم مهم است
این است که اگر انتخاب نشوم چه کار کنم!!!

در مجلس جشنی عده ای دختر و پسر جوان مشغول
گفت و گو بودند...

یکی از دخترها نزد پسری رفت و گفت: شما پسرها وقتی
دور هم جمع می شوید راجع به چه موضوعی صحبت
می کنید؟

پسر جوان لبخندی زد و گفت: همان موضوعی که الان
شما راجع به آن بحث می کردید.

دخترک گونه هایش سرخ شد و زیر لب گفت:

- واقعاً شما پسرها چه بی تربیت هستید!

- تا حالا هیچ عاشق شده ای؟

- چندین دفعه! همه اش در «در نظر اول»!

- پس چرا ازدواج نکرده ای؟

- آخر، غالباً از «نظر دوم» هم غفلت نکرده ام!

معلم: بچه ها... «مسافر سوار تاکسی شد» از نظر دستوری
چه نوع جمله ایست؟

بچه ها: جمله فکاهی!